



نگرشی نو به زندگی  
و جایگاه امام در زندگی بشر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# زندگی را از بالا نگاه کن

## گردآورندگان:

حجج اسلام: محمد جنتی، مهرداد خالقی، هادی دشن، مسعود خوشنام، احمد مکرمت

تهیه شده در

تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب

با حمایت

اداره کل تبلیغات اسلامی استان قم

دهه فجر فاطمی ۱۳۹۷

## معرفی محصول:

مهم‌ترین اتفاقی که باعث شده است نگاه قشر مذهبی و انقلابی به حوادث کشور با نگاه مقام معظم رهبری فاصله قابل توجهی داشته باشد، این می‌باشد که حزب الهی ها مانند مقام معظم رهبری مشکلات و مسائل جامعه را از بالا نگاه نمی‌کنند. بلکه در جزئیات باقی می‌مانند و از بالا همه جوامع را نمی‌بینند و از آینده غافل هستند.

سخنرانی چندرسانه ای حاضر در مقام برطرف کردن این فاصله می‌باشد.

موضوع پژوهش:

زندگی را از بالا ببینیم

ایجاد یک زاویه دید جدید و از بالا به مسائل کشور، منطبق بر زاویه دید مقام معظم رهبری در مخاطبین انقلابی جهت تمرکز بخشی بر آینده و مسیر پیشروی انقلاب اسلامی (چالش هایی که باید حل شوند و قله هایی که باید فتح شوند) به جای تمرکز بر گذشته و مسیر طی شده.

مناسبت: چهل سالگی انقلاب

مخاطب: جوانان حزب الهی و انقلابی

ماهیت:

ایجاد یک زاویه دید جدید و از بالا به مسائل کشور، منطبق بر زاویه دید حضرت آقا در مخاطبین انقلابی جهت تمرکز بخشی بر آینده و مسیر پیشروی انقلاب اسلامی (چالش هایی که باید حل شوند و قله هایی که باید فتح شوند) به جای تمرکز بر گذشته و مسیر طی شده.

در چهل سالگی انقلاب نباید به چهل سال گذشته انقلاب پردازیم بلکه باید نگاه را ببریم روی پنجاه سالگی، شصت سالگی و آینده انقلاب.

عوامل بروز مشکل:

چرا زاویه دید مخاطب منطبق بر زاویه دید مقام معظم رهبری و نگاه از یک زاویه بالا به مسائل نیست؟  
چون از این نوع نگاه خبر ندارد، ضرورت آن را درک نکرده است و چگونگی آن را بلد نیست.  
آثار و پیامد:

اگر از بالا به همه مسائل نگاه کند، در بدترین شرایط هم امید به پیروزی و موفقیت را از دست نمی‌دهد.  
اگر از بالا به همه مسائل نگاه نکند، به راحتی فریب می‌خورد.

راه و راهکار:

۱. (عقلانیت انقلابی) جامع‌نگری: غرق در جزئیات نشدن و غافل از کلیات نگشتن

۲. (ایمان انقلابی) عمیق‌نگری: علل اساسی حوادث را دانستن و به علل فرعی اصالت ندادن

۳. (صبر انقلابی) آینده‌نگری: در میان گرفتاری‌ها گم نشدن و نتایج پایانی را هم دیدن

## اسلاید شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

در بین جنگ‌های متعددی که در تاریخ اسلام رخ داده است، یک جنگ به دلیل ویژگی‌های خاص بسیار قابل تأمل و بررسی است. جنگی که دل‌های بسیاری از مسلمانان را لرزاند؛ جنگ احزاب!

## اسلاید شماره ۲

فیلم تشریح جنگ احزاب از زبان مقام معظم رهبری

جنگ احزاب، چنانکه از نامش پیداست، نبردی بود که در آن تمام قبائل و گروه‌های مختلف دشمنان اسلام برای کوبیدن «اسلام جوان» متحد شده بودند. بعضی از مورخان نفرات سپاه «کفر» را در این جنگ بیش از ده هزار نفر نوشته‌اند، درحالی‌که تعداد مسلمانان از سه هزار نفر تجاوز نمی‌کرد.

سران قریش که فرماندهی این سپاه را به عهده داشتند، با توجه به نفرات و تجهیزات جنگی فراوان خود، نقشه جنگ را چنان طراحی کرده بودند که به خیال خود با این یورش، مسلمانان را به کلی نابود سازند و برای همیشه از دست محمد ﷺ و پیروان او آسوده شوند! محاصره مدینه توسط چنین لشکر انبوهی، روحیه بسیاری از مسلمانان را به شدت تضعیف کرد به‌ویژه آنکه خبر پیمان‌شکنی قبیله یهودی «بنی قریظه» نیز فاش شد و معلوم گردید که این قبیله به بت‌پرستان قول داده‌اند که به محض عبور آنان از خندق، اینان نیز از این سوی خندق از پشت جبهه به مسلمانان حمله کنند.

قرآن مجید وضع دشوار و بحرانی مسلمانان را در جریان این محاصره در سوره احزاب به‌خوبی ترسیم کرده است:

«إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَ».

به خاطر بیاورید زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین شهر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را به یاد آورید که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده بود و جان‌ها به لب رسیده بود و گمان‌های گوناگون [بدی] به خدا می‌پردید!

«هَذَا لِكَيْ تُبْتَلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيُزَلَّوْا زَلْزَالًا شَدِيدًا».

در آن هنگام مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

## اسلاید شماره ۳

در چنین وضعیت بحرانی و نابسامانی اتفاقی عجیب و قابل توجه صورت گرفته است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لَمَّا حَفَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْخَنْدَقَ مَرُّوا بِكُدَيْيَةَ؛ مسلمانان در هنگام حفر، به سنگ بزرگ و محکمی برخورد کردند. فَتَنَّاوَلَّ رَسُولُ اللَّهِ صِ الْمِعْوَلَ مِنْ يَدِ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَضْرَبَ بِهَا ضَرْبَةً فَتَفَرَّقَتْ بِثَلَاثِ فِرْقٍ؛ حضرت کلنگ را از دست امیرالمؤمنین یا سلمان گرفت و ضربه‌ای بر آن صخره زد که سه جرقه از آن برخاست.

## اسلاید شماره ۴

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَقَدْ فَتِحَ عَلَيَّ فِي ضَرْبَتِي هَذِهِ كُنُوزٌ كِسْرَى وَ قَيْصَرٌ؛ پیامبر فرمودند در این ضربه‌ای که زدم، گنج‌های کسری و قیصر بر من گشوده می‌شود! یعنی درست در وسط معرکه پراشتهای احزاب، حضرت وعده فتح ایران و روم را به مسلمانان می‌دهد. وعده‌ای که برای برخی قابل هضم نیست.

## اسلاید شماره ۵

فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ يَعِدُنَا بِكُنُوزِ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَا يَقْدِرُ أَحَدُنَا أَنْ يَخْرُجَ يَتَخَلَّى؛ به ما وعده گنج‌های کسری و قیصر را می‌دهد درحالی‌که هیچ‌کدام از ما از ترس نمی‌تواند که به دستشویی برود!

درست در وسط این وضعیت بحرانی و نابسامان و پر از اضطراب برای مسلمانان، رهبر جامعه خبر از پیروزی‌هایی می‌دهد که در آینده به وقوع می‌پیوندد. چطور ممکن است در وضعیت پرتهاپ جامعه، رسول خدا جایی را می‌بیند که بخش قابل توجهی از مسلمانان نمی‌بینند؟

## اسلاید شماره ۶

وقتی وضعیت بحرانی جنگ احزاب را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم شرایط امروز ایران اسلامی نیز چیزی شبیه به آن وضعیت است؛ درست در چنین شرایط پراضطرابی رهبر عزیز انقلاب، با الگوی پیشرفت ایران در ۵۰ سال آینده خبر از پیروزی‌هایی می‌دهد:

«این سند، اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحی کرده است که با تحقق آن که کاری عظیم و دشوار اما ممکن و شیرین است، کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلیعه مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست‌بوم ایران رخ خواهد نمود. ان شاءالله.»

وعده‌ای که برخی از نیروهای انقلابی نمی‌توانند آن را هضم کنند و شاید در دل خود تعبیری شبیه آن صحابی رسول خدا داشته باشند که: **يَعِدُنَا بِكُنُوزِ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَا يَقْدِرُ أَحَدُنَا أَنْ يَخْرُجَ يَتَخَلَّى.**

## اسلاید شماره ۷

چطور می‌شود در وضعیت بحرانی و حساس، رهبر یک امت نقطه‌ای را ببیند که دیگران نمی‌توانند ببینند؟! به نظر می‌رسد علت اصلی، تفاوت نوع نگاه و زاویه دید امام و امت به مسائل و حوادث است چون امام و رهبر جامعه از منظری به حوادث نگاه می‌کند که ما نمی‌بینیم:

زندگی را از بالا ببین!

## اسلاید شماره ۸

زندگی را از بالا دیدن یعنی چی؟

حتماً تابه‌حال برای شما اتفاق افتاده که در یک ترافیک سنگین گرفتار شده باشید. شما که از پایین به ترافیک نگاه می‌کنید، خیلی ناراحت و نگران هستید و شاید از ادامه مسیر ناامید بشوید و برگردید، اما آن دوربین یا شخصی که این ترافیک را از بالا مشاهده می‌کند و وضعیت را از بالا چک می‌کند، می‌بیند که تصادف کوچکی اتفاق افتاده و به‌زودی مسیر باز خواهد شد. زندگی را از بالا ببین یعنی حوادث زندگی و ترافیک‌های اقتصادی و اجتماعی را از بالا ببین تا ناامید نشوی و راه را ادامه بدهی.

## اسلاید شماره ۹

زندگی را از بالا ببین یعنی چی؟ نیل آرمسترانگ<sup>۱</sup> نخستین انسانی است که بر اساس آنچه ادعا<sup>۲</sup> شده است روی کره ماه قدم گذاشت. آرمسترانگ در لحظه تاریخی که قدم روی کره ماه گذاشت، جمله معروف خود را گفت: «من آدم حساسی نیستم. وقتی خانه والدینم را

۱ Neil Armstrong

۲ درباره اصل امکان و رفتن فضاوردان به کره ماه تردیدهایی مطرح شده است؛ مبلغ هم نباید به طور قطعی بگوید.

ترک کردم گریه نکردم. حتی وقتی روی ماه پا گذاشتم گریه نکردم؛ اما وقتی از روی ماه به زمین نگاه کردم، بغضم گرفتم. شست دستم را به سمت زمین گرفتم و تمام دارایی‌ام و کره زمین با آن عظمت پشت شستم پنهان شد و من اشک ریختم...»  
اگر ما هم زندگی را از بالا ببینیم، نگاهمان به مسائل پیرامون خودمان متفاوت خواهد شد.

### اسلاید شماره ۱۰

نه زمین باش و نه خاک که تو را خوار کند	وانگهی ذهن تو را پر ز مردار کنند
آسمان باش که خلقی به نگاهت بخرند	وز پی دیدن تو، سر به بالا ببرند

### اسلاید شماره ۱۱

مشکل اصلی اینجا است که ما فاصله مناسب را برای دیدن حقایق حفظ نمی‌کنیم. نگاه جزئی و خرد و از درون به اتفاقات کوچک یک نگاه دقیق و حقیقی نیست. برای دیدن حقایق عالم و واقعیت‌های زندگی باید از فاصله درستی به وقایع نگاه کنیم.  
زندگی از بالا زیباست  
و حقایق از دور جذاب  
فاصله مناسب را حفظ کنیم  
تا واقعیت‌ها را ببینیم

شاید بهتر باشد از آدم‌ها فاصله بگیریم. فکر می‌کنم این فاصله می‌تواند روحی باشد. روح خود را بزرگ‌تر کنیم تا آنها که آزارمان می‌دهند تبدیل شوند به یک نقطه و شاید محو شوند. راه چاره این است. دنیای ما باید بزرگ شود. باید فاصله خود را با محیط پیرامونمان بیشتر کنیم. باید مهندسی ذهنمان را دگرگون کنیم. هیچ چیزی ارزش آزار دیدن و آزار دادن ندارد.

### اسلاید شماره ۱۲

این دو نگاه جزئی و کلان در پزشکی هم وجود دارد؛ دید میکروسکوپی بر پایه مفهوم ملکول استوار است درحالی که دید مایکروسکوپی خواص مقیاس بزرگ سیستم را موردبررسی قرار می‌دهد.  
کمیت‌هایی که وضعیت ماده را در مقیاس بزرگ توصیف می‌کنند، کمیت‌های مایکروسکوپی نامیده می‌شوند.  
کمیت‌هایی که وضعیت ماده رو در مقیاس داخل ماده و بدون توجه به محیط پیرامونی توصیف می‌کند کمیت‌های مایکروسکوپی نامیده می‌شود.

امروزه در دنیای عکاسی هم به دو نوع میکروسکوپی و مایکروسکوپی تقسیم می‌شود [۱].  
نگاه به مسائل و واقعیت‌ها هم این‌گونه است:

نگاه میکروسکوپی که فقط به جزئیات یک حادثه توجه می‌کند و نگاه مایکروسکوپی که یک حادثه را با توجه به محیط پیرامونی و از منظری بالا موردبررسی قرار می‌دهد.

### اسلاید شماره ۱۳

در عکاسی با مقیاس مایکروسکوپی، نمی‌توان بسیاری از جزئیاتی را که در عکاسی میکروسکوپی دیده می‌شود دید؛ اما در نگاه مایکروسکوپی این‌گونه نیست. برخی تصور می‌کنند پیامبر گرامی اسلام یا مقام معظم رهبری که زندگی را از بالا می‌بینند دیگر نسبت به بسیاری از مشکلات زندگی بی‌اطلاع هستند. درحالی که این‌گونه نیست. نگاه مایکروسکوپی برخلاف عکاسی مایکروسکوپی از جزئیات هم مطلع است. در عین توجه به جزئیات، از منظر کلی هم نگاه می‌کند.  
فیلم سخنرانی مقام معظم رهبری درباره اطلاع از مشکلات

### اسلاید شماره ۱۴

حضرت آقا هم مشکلات را مثل ما می‌بیند، ولی مثل ما نمی‌بیند! شاید بفرمایید یعنی چی؟! بالاخره مثل ما می‌بیند یا مثل ما نمی‌بیند؟  
بله ایشان مثل ما از مشکلات باخبر است. به‌خوبی هم باخبر است و در سخنرانی‌ها همواره مشکلات را گوشزد می‌کند و به مسئولین تذکر می‌دهد.

اما مثل ما به مشکلات نگاه نمی‌کند؛ بلکه از منظری بالاتر به مشکلات نگاه می‌کند.

### اسلاید شماره ۱۵

ایشان هم مانند ما گرانی‌ها را می‌بینند. از گران شدن میوه‌ها باخبر است اما مانند ما در بازار تره‌بار نمی‌ماند، بلکه این گرانی و مشکلات را از منظری بالاتر می‌بیند. بالاتر از بازار تره‌بار، بالاتر از محله، بالاتر از منطقه، بالاتر از شهر، بالاتر از استان، بالاتر از کشور، بالاتر از آسیا ...

یعنی همان گران شدن میوه‌ها را می‌بیند، اما از زاویه‌ای بالا در مقیاس کل دنیا می‌بیند.

### اسلاید ۱۶

وقتی شما این گرانی میوه‌ها را در مقیاس جهانی نگاه می‌کنید، فقط گرانی‌ها را نخواهید دید. بلکه در کنار این واقعیت یک واقعیت دیگری را هم می‌بینید؛ درباره مملکت ما با وجود این همه مشکلات و ضعف‌ها، در بسیاری از مواقع از زبان مقامات غربی، سیاسیون و رجالشان حرف‌هایی می‌شنویم، اعتراف‌هایی می‌بینیم که حیرت‌زده می‌مانیم. انگار این قصه یک روی دیگر هم دارد که ظاهراً با این‌هایی که ما می‌بینیم جور در نمی‌آید!

### اسلاید شماره ۱۷

هنری کیسینجر، وزیر اسبق خارجه آمریکا، استراتژیست ارشد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و یکی از اصلی‌ترین مشاوران رؤسای جمهور جمهوری خواه ایالات متحده که از مهم‌ترین و معروف‌ترین دکترین‌های سیاست خارجی آمریکا به شمار می‌آید. اظهارات اخیر وی در خصوص نقش ویژه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل عجیب است.

او درباره اولویت‌های راهبردی آمریکا در منطقه اظهار نظر قابل تأملی کرده است. به اعتقاد کیسینجر، این ایران است که خطر اصلی برای منافع آمریکا تلقی می‌شود. او می‌گوید، ایران در حال بازسازی امپراتوری گذشته خود است و خط مقاومت، از تهران تا بغداد و بیروت محور این امپراتوری است.

کیسینجر در این گفت‌وگو اعلام کرد: از آنجا که ایران دارای جای پای قوی‌تری در خاورمیانه است، فرصت بزرگ‌تری را برای ایجاد یک امپراتوری دارد. مرزهای تعیین شده در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ به‌طور اساسی در حال از هم فروپاشی است و این امر از نظرگاه راهبردی سطح بسیار قدرتمندی از توان را به ایران می‌دهد. وی افزود: یک نوع کمربند شیعی از تهران و از طریق بغداد تا بیروت کشیده شده است. این امر به ایران فرصت می‌دهد تا امپراتوری باستانی پارس خود را - این بار تحت عنوان شیعه - بازسازی کند. این امر در شرایطی رخ می‌دهد که در پی بازطراحی اجتناب‌ناپذیر مرزهای خاورمیانه، ساختار این منطقه در حال تغییر است.

می‌گوید ایران! این همه کشور در جهان به این پهناوری چرا ایران؟! اینجا با این همه مشکلات و معضلات چرا باید مورد توجه هنری کیسینجر قرار بگیرد؟!

گویا نگران‌اند که سیاست نیل تا فراتی که اسرائیل دنبال می‌کرد امروز با حرکت شیعه از تهران تا بیروت به خطر بیافتد.

### اسلاید شماره ۱۸

خب وقتی مسائل را از بالا نگاه کنیم و این دو واقعیت را (مشکلات و اعترافات دشمن بر قدرت ایران) کنار هم قرار می‌دهیم این سؤال به ذهن می‌رسد که:

چرا غرب و قدرت‌های استکباری از کشوری مانند ایران این همه وا همه دارند؟ مگر ایران با این همه مشکلات و گرفتاری‌ها چه دارد که قدرت‌های بزرگ دنیا از او وا همه دارند؟ چنین کشوری با این همه مشکلات که ترس و وا همه ندارد؟!!

### اسلاید ۱۹

برای اینکه تعارض این دو واقعیت جامعه و کشورمان را حل کنیم باید سراغ روایات اهل بیت علیهم‌السلام برویم. روایت بسیار زیبایی را امروز

خدمتتان تقدیم می‌کنم که فهم آن در حل این مسئله بسیار کمک می‌کند.

ابن سکیت می‌گوید خدمت امام دهم علیه السلام عرض کردم: چرا خداوند حضرت موسی را با وسیله عصا و ید و بیضا و ابزار ابطال جادو فرستاد و حضرت عیسی را با وسیله طبابت و حضرت محمد را - که بر او و خاندانش و پیمبران درود باد - به وسیله کلام و سخنرانی؟  
فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ لَمَّا بَعَثَ مُوسَى علیه السلام كَانَ الْغَالِبُ عَلَى أَهْلِ عَصْرِهِ السَّحَرُ فَأَتَاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وَسْعِهِمْ مِثْلَهُ وَمَا أَبْطَلَ بِهِ سِحْرَهُمْ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ.

حضرت فرمود: چون خدا موسی علیه السلام را زمانی مبعوث کرد که جادوگری بر مردم غلبه داشت پس او از طرف خدا چیزی آورد که مانندش از توانائی آنها خارج بود و به وسیله آن جادوی آنها را باطل و حجت را برایشان ثابت کرد.

وَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عِيسَى علیه السلام فِي وَقْتٍ قَدْ ظَهَرَتْ فِيهِ الزَّمَانَاتُ وَ أَحْتَاَجَ النَّاسُ إِلَى الطَّبِّ فَأَتَاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِمَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمْ مِثْلَهُ وَ بِمَا أَحْيَا لَهُمُ الْمَوْتَى وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ.

و عیسی علیه السلام را در زمانی فرستاد که فلج و زمین‌گیری زیاد شده بود و مردم نیاز به طب داشتند پس او از جانب خدا چیزی آورد که مانندش را نداشتند پس به اجازه خدا مردگان را زنده کرد و کور مادرزاد و پیس را درمان و حجت را برایشان ثابت نمود.

وَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله و سلم فِي وَقْتٍ كَانَ الْغَالِبُ عَلَى أَهْلِ عَصْرِهِ الْخُطْبَ وَ الْكَلَامَ فَأَتَاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنْ مَوَاعِظِهِ وَ أَحْكَامِهِ.

و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در زمانی فرستاد که خطبه‌خوانی و سخنوری رایج بود، پس آن حضرت از طرف خدا پندها و دستوراتی شیوا آورد.

مَا أَبْطَلَ بِهِ قَوْلَهُمْ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ.

که گفتار آنها را باطل و حجت را برایشان تمام نمود.<sup>۱</sup>

معجزه در همان موضوعی وارد می‌شود که قدرت‌ها و طاغوت‌های همان عصر مردم را به وسیله آن دور خودشان جمع می‌کنند. مردم هم کاملاً با آن آشنایی داشتند. این معجزه حتی برای ضعیف‌ترین افراد اتمام حجت می‌کرده، به عبارتی هم مردم جذب نبی می‌شدند و هم با جذب مردم و خالی کردن دست طاغوت ضربه مهلکی به او وارد می‌شد. پس معمولاً مخاطب مستقیم انبیاء، هم در دعوت و هم در معجزه، شخص طاغوت زمان بود و تا این عاجز کردن طاغوت صورت نمی‌گرفت یعنی معجزه‌ای از پیغمبر نمی‌دیدند به او ایمان نمی‌آوردند. همه جنگ انبیاء و اولیاء با صاحبان قدرتی که مقابل رب می‌ایستادند، این بود. نام صاحبان قدرتی که مقابل رب می‌ایستادند طاغوت است. صاحب قدرت اگر به عدالت عمل کند می‌شود پادشاه عادل و اگر به ظلم رفتار کند، می‌شود پادشاه ظالم. اگر مقابل خدا بایستد، می‌شود طاغوت. خب! انبیاء و اولیاء آمده و مقابل طاغوت ایستاده‌اند. ببینید با ظالمان هم کار دارند اما ایستادن مقابل طاغوت کار اولشان است چون مقابل خدا ایستاده است.

## اسلاید شماره ۲۰

علامه طباطبایی می‌فرماید: اینکه موسی به سراغ فرعون می‌آید، معلوم می‌شود که اولین کار انبیاء مبارزه با طاغوت است. طاغوت کوبی و طاغوت‌شکنی و بت‌شکنی شرح وظیفه انبیاء است. حالا چه بت سنگی و چه بت گوشتی. فرعون بت بود. می‌گفت: { أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى }<sup>۲</sup>. به مردم می‌گفت: من خدای شما هستم. موسی را فرستادیم. { فَظَلَمُوا بِهَا } ولی ظلم کردند و به آیات و معجزات ایمان نیاوردند. پس

۱ بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

۲ نازعات، آیه ۲۴.



این آیه می‌گوید: موسی سراغ فرعون آمد. {وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ}¹. چون مهم‌ترین مانع سر راه هدایت بشر مستکبرین بودند که مقابل انبیا می‌ایستادند، از این رو انبیا هدف اولیه‌شان در مسیر نبوت و هدایت عاجز کردن مستکبرین در نقطه قدرتشان بود.

{إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ}. در این جمله رسالت موسی عليه السلام را به خصوص فرعون و ملاء او نسبت داده - کلمه "ملاء" به معنای اشراف و بزرگان قوم است که با هیبت خود دل مردم را پر می‌کنند - نه به همه قوم، که شاید به کار بردن این کلمه برای اشاره به این معنا باشد که عامه مردم همیشه دنباله‌رو اشراف و بزرگان‌اند و از خود هیچ رأیی ندارند، رأی آنها همان تصمیمی است که اشراف برایشان بگیرند.²

مردم می‌دیدند قدرتی آمده و چیزی را که زندگی‌شان وابسته به آن بود را دارد از بین می‌برد. لذا شما می‌بینید انبیا وقتی رسالتشان را ابلاغ می‌کردند اولین کسانی که دردتان می‌آمد مستکبرین و طاوغیت بودند.

### اسلاید شماره ۲۱

مهم‌ترین وسیله‌ای که انبیا برای از پیش رو برداشتن طاغوت به کار می‌بردند معجزه بود. عبد الجبار در توضیح معجزه چنین گفته است:

بدان که معجز و ناتوان‌کننده (معجزه آورنده) کسی است که دیگری را عاجز و ناتوان می‌کند. همان‌گونه که تواناکننده (المقدر) کسی است که، در زبان متعارفی، دیگری را توانا می‌سازد.³

پس معنای معجزه به عجز درآوردن ابزار قدرت طاغوت در هر زمان خواهد بود!

تا سخن از معجزه به میان می‌آید برخی تصورات خیالی و آرمانی در ذهن خود ایجاد می‌کنند و نقش اراده مردم را نادیده می‌گیرند. درحالی‌که معجزه یعنی مقابله سازوکار خداوند با سازوکار طاغوت برای بیدار کردن فطرت‌های الهی مردم و به حرکت درآوردن مردم در جهت سرنگونی طاغوت.

### اسلاید شماره ۲۲

درباره انقلاب اسلامی ایران هم شبیه این اتفاق رخ داد. خود غربی‌ها هم به این معجزه اعتراف می‌کنند: روزنامه تایمز لندن - ژوئیه ۱۹۸۲ می‌نویسد: انقلاب اسلامی در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان همچون زلزله‌ای غیرمترقبه اردوگاه آرام و بی‌دغدغه استکبار جهانی را به شدت به لرزه درآورد. با وقوع انقلاب اسلامی برای اولین بار یک کشور مسلمان به‌طور موفقیت‌آمیزی قدرت‌های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید. آنان را تحقیر و به منافع مادی‌شان خسارت وارد کرد و چون صاعقه‌ای عظیم آسمان جهل و غفلت و عناد را شکافت.

انقلابی که در ایران اتفاق افتاد همگان را بهت‌زده کرد و همه معادلات عقلانی اداره عالم را به هم ریخت. انقلابی که همه قدرت‌های مدعی جهانی در مقابل آن به عجز افتادند و همه قدرت خود را که فرای آن قدرتی تصور نمی‌کردند به میدان آوردند؛ ولی قدرتی که حضرت امام به میدان آورد و انقلابی که محقق شد نفس‌ها را در سینه حبس کرد. می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که اتفاقی افتاد شبیه اتفاقی که برای ظالمین و مستکبرین مقابل انبیا می‌افتاد. آنها برای سرکوبی انبیا الهی درحالی‌که خود را ابرقدرت می‌دانستند همه

۱ اعراف، آیه ۱۰۴.

۲ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۷۱.

۳ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۱۶.

قدرت خود را به میدان آوردند ولی شخص نبی به اذن و عنایت الهی کاری می‌کرد که همگی از جمله ظالمین و مستکبرین به‌تازگی می‌شدند. در هر زمانی متناسب با همان عصر و زمان مقابل همان قدرتی که طاغوت عصر به‌وسیله آن قدرت را در دست گرفته بود می‌ایستادند.

در تبیین و تفسیر حقیقت "انقلاب امام خمینی" باید گفت: با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، دنیا شاهد رخداد یک معجزه عظیم الهی بود. با توجه به اینکه آنها بالاترین دستگاه‌های امنیتی را در اختیار داشتند و بالاترین بررسی‌ها و اطلاعات میدانی از جوامع و پیشگویی از آینده جوامع را داشتند و برای آینده این جوامع کارهایشان را تنظیم می‌کنند. به‌عنوان مثال آمار فساد اقتصادی کشورها را می‌دانند و حتی از توانایی نیروی انسانی و کیفیت استعداد ملی و تحقیقات خبر دارند و به عدد مطلع‌اند. در بعد سیاسی و اطلاعاتی می‌دانند؛ اما آنها نتوانستند این انقلاب را پیشگویی کنند و نتوانستند اداره کنند و حتی نتوانستند به هم بزنندش.

امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولین فرمودند: بزرگ‌ترین دستاورد ما این است که همه دنیا می‌خواستند ما نباشیم و ما هستیم. وقتی شما مسائل رو از بالا نگاه کنی، می‌بینی با این همه مانع‌تراشی که در طول این چهل سال برای توقف ما داشتند، اینکه ما الان با همه این مشکلات هستیم یعنی پیروزی! وقتی می‌گوییم ما پیروزیم! به معنای بی‌تفاوتی به گرانی‌ها و مشکلات نیست؛ بلکه منظور ما این است که با همین گرانی‌ها هم ما پیروزیم.

واقعاً شما ببینید نرم‌افزار و علم جاسوسی و علم اطلاعات و نظامی، همه چیز علمی بود. این محاسبات جلوی این انقلاب به عجز رسیده‌اند. با توجه به این جامعه‌ای که حالت دین‌داری اش سنتی بوده و بعد با حالت سلطنتی ترکیب شده، جلوی چنین فرهنگی نه نتوانستند بایستند و نه پیش‌بینی می‌کردند. این یعنی به عجز رسیدن مرکز قدرت کفر. آنچه منشأ قدرت جهانی شده در مقابل این قدرت الهی به عجز رسیده است.

### اسلاید شماره ۲۳

روبین وود زورث (خبرنگار آمریکایی جماران) در کتاب زیباترین تجربه من صفحه ۳۱ می‌نویسد: «کمترین چیزی که می‌توانم بگویم این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است و یا اینکه او موسای اسلام است و آمده تا فرعون کافر را از سرزمین خود براند». کاری که حضرت امام خمینی رحمته انجام دادند این بود که با کمک مردم ایران یک معجزه الهی را در قرن اخیر رقم زدند. آری این معجزه قرن بود که ایران اسلامی را با همه اشکالات و نقاط ضعف‌هایش به تنها قدرت الهی عاجز کننده قدرت طاغوت تبدیل کرده است.

گر چه معجزه اصطلاحی که کار انبیاء بوده دیگر وجود ندارد اما حقیقت معجزه اتفاق افتاده است و آن عبارت است از ضربه زدن به نقطه قدرت مستکبرین و طواغیت و عاجز کردن آنها در همان نقطه قدرت که مایه تفوق آنها بر مستضعفین گردیده است.

انقلاب ایران به اعتراف خود آنها همه معادلات و حساب و کتاب‌های آنان را به هم زد. انقلاب در چه بستری محقق شد؟ مگر چه معادلاتی وجود داشت که انقلاب، آنها را بی‌اثر کرد و یک‌باره آب سردی شد بر پیکره استکبار جهانی؟ لازم است تقریباً چهل سال به عقب برگردیم و چیزهایی را از نزدیک ببینیم و مروری داشته باشیم بر وضعیت مدیریت جهانی ظاهراً عقلانی که آن روز حاکم بود. مدیریتی که همه چیز را از آن قدرت نظامی و پول و سرمایه می‌دید و حتی به مخیله‌اش هم خطور نمی‌کرد انقلابی در ایران پا بگیرد. به‌گونه‌ای که شاید در اوایل انقلاب هم قضیه را خیلی جدی نگرفت.

چیزی که بیشتر آنها را به‌تازگی کرد این بود که شخصی بدون حمایت ابرقدرت‌ها، بدون تجهیزات و قدرت مادی و با دست‌خالی بتواند چنین انقلابی به راه بیندازد و الان دیگر فهمیده‌اند که همه اتفاقات را قدرت ظاهری و تجهیزاتی و حساب کتاب مادی آنها رقم نمی‌زند چیزی که معجزه‌گون بودن این انقلاب را اثبات می‌کند این است که امام در مقابل این همه قدرت غرب در مدیریت مادی دنیا که همه

امکانات را برای جلوگیری از پیروزی انقلاب بکار بردند با دستانی خالی و بدون هیچ امکانات مادی و صرفاً با حمایت مردم توانست قدرت پوشالی طاغوت را تحقیر و ذلیل کند. مردمی که قلبشان به عشق امام می‌تپید.

بنابراین تمام واهمه قدرت‌های بزرگ دنیا از همین قدرت گرفتن ایران اسلامی به‌عنوان سمبل مبارزه با طاغوت و مستکبرین عالم است که در این صورت مستضعفین عالم را به قیام علیه آنها و تهدید منافعشان تحریک خواهد نمود.

چیزی که قدرت‌های دنیا را به ترس انداخته این است که یک کشور با اتکای به قدرت الهی و باور به نیروهای مردمی توانست در برابر قدرت مدیریتی پیچیده مادی آنها بایستد و آن قدرت را تحقیر کند و زیر سؤال ببرد و این یعنی انقلابی گری. غرب از همین انقلابی بودن ما می‌ترسد.

مهم‌ترین ویژگی انبیاء که شما مکرر در قرآن مطالعه می‌کنید همین انقلابی بودن و مبارزه با طاغوت بوده است. امام راحل هم با همین ویژگی انقلابی و مبارزه با طاغوت بود که توانست قدرت‌های بزرگ دنیا را تحقیر و ذلیل کند.

### اسلاید شماره ۲۴

ممکن است کسی از شما بزرگواران سؤال کند که خب این معجزه الهی چرا داخل کشور نتوانست دغدغه‌های مردم را برطرف کند و مشکلات مختلف را مدیریت کند. این معجزه‌ای که دنیا را تکان داد چرا نتوانست اقتصاد کشور را تکان دهد؟ اتفاقاً تمام صحبت ما به خاطر همین نکته است که بتوانیم عامل اصلی این مشکلات اقتصادی را به دست بیاوریم. اما این مشکل از کجا ناشی می‌شود؟

ما توانستیم با توسل به قدرت مدیریت الهی و اتکا به نیروهای مردمی، قدرت مدیریتی غرب را در دنیا زیر سؤال ببریم؛ اما این مدیریت الهی هنوز به عرصه مدیریت اقتصادی ما وارد نشده است. روحیه انقلابی‌گری در مدیریت اقتصادی ما به جریان در نیامده است.

### اسلاید شماره ۲۵

مقام معظم رهبری بارها تأکید فرموده‌اند که راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور نگاه به درون، قطع امید از دیگران و تکیه بر توان مردم است:

«همه مشکلات کشور قابل حل است؛ ما در کشور هیچ مشکلی که قابل حل نباشد نداریم؛ هیچ مشکلی که کلید آن و حل آن دست بیگانه‌ها باشد نداریم. مشکلات هست، اما همه مشکلات کشور قابل حل است، کلیدش هم دست خود ملت ایران و مسئولین کشور است.»<sup>۱</sup>

و برای پیروزی در این جنگ اقتصادی نقشه راه کاملاً کارشناسی و عملیاتی به اسم «اقتصاد مقاومتی» ارائه نمودند و تأکید فرمودند این اقتصاد درون‌زا و مردم‌بنیاد است. اگر همان روحیه انقلابی یعنی اتکا به قدرت الهی و مردمی در اقتصاد ما جریان پیدا کند، اقتصاد ما هم مانند عرصه سیاسی ما به قله‌های خود دست پیدا خواهد کرد. ما در اقتصاد کسانی را می‌خواهیم که برای زندگی مردم جهاد کنند! همان تفکر بنی‌صدری که می‌خواست جنگ را با مدل غیرمردمی پیش ببرد و شکست خورد، سال‌هاست در بدنه مدیریت اقتصادی کشور موربانه‌وار رخنه کرده و تلاش می‌کند اقتصاد را با روش غیرالهی غیر بومی غربی جلو ببرد ولی هیئات از اینکه جز خسارت و گرفتاری و بحران و افزایش وابستگی و فاصله طبقاتی ثمری نداشته‌اند.

### اسلاید شماره ۲۶

علی شمشانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در یکی از سخنرانی‌های خود به ریشه اصلی مشکلات اقتصادی اشاره کرد و گفت:

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۱/۱.

«بسیاری از سنگرهای اقتصادی ما با تفکر لیبرالیسم اشغال شده و نسبت آن با اقتصاد مقاومتی مانند جن و بسم‌الله است. سال‌ها دعوا داشتیم - هنوز هم این دعوها وجود دارد - که [آیا] اقتصاد آزاد، کینز و آدام اسمیت برای کشور مناسب است و یا نیازمند اقتصاد سوسیالیستی هستیم».<sup>۲</sup>

از بزرگ‌ترین مصیبت‌های کشور ما وجود همین تفکر غرب‌زده فاسدی است که نه اعتقاد راسخی به جهاد اقتصادی و مقاومت در برابر دشمن دارد و نه باور به توان مردمی و اقتصاد مردم‌بنیاد؛ بلکه راه‌حل را در بستن با کدخدا و گردن کج کردن جلوی بیگانگان می‌دانند، زیاد شعار مردم را می‌دهند ولی در عمل چشم امیدشان به بیرون است؛ کسانی که گاه‌وبیگاه در قامت وزیر و مشاور و رئیس، دم خروس غرب‌زدگی و خودباختگی‌شان بیرون می‌زند؛ یکی بی‌شرمانه در قامت وزیر جمهوری اسلامی می‌گوید «در اقتصاد نیز نیازمند واردات مدیران اقتصادی خارجی هستیم»<sup>۳</sup> و بار دیگر پس از برگشت از سفر درمانی از آلمان با تحقیر توان متخصصان داخلی می‌گوید «تکنولوژی این عمل حدود ۸۰ سال دیگر به ایران خواهد آمد».<sup>۴</sup> دیگری در سمت مشاور رئیس‌جمهور در جلسه رسمی وقیحانه می‌گوید ما فقط در صنعت قورمه‌سبزی و آبگوشت بزباش توان رقابت با غربی‌ها را داریم<sup>۵</sup> و بعد مدعی می‌شود شوخی کردم! و آن وزیر دیگر می‌گوید آمریکا می‌تواند با یک بمب تمام سیستم دفاعی ما را از کار بیندازد.<sup>۶</sup>

اینها خلاصه تفکرات مدیران لیبرال و غرب‌زده ماست، یک نگاه تحقیرآمیز و خودکم‌بین نسبت به توان داخلی؛ اگر در زمان پهلوی رزم‌آرای معدوم می‌گفت ما فقط می‌توانیم لوله آفتابه بسازیم<sup>۷</sup> و ملت ما را تحقیر می‌کرد هم‌اینک نیز رسوبات همان خط فکری در سمت وزیر و مشاور در زبان و عمل ملت ما را تحقیر می‌کنند.

---

۱ یک بازار آزاد، بازاری است که در آن قیمت یک کالا یا خدمت، در تئوری، از طریق عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، نه از طریق سیاست‌گذاری دولتی. یک بازار آزاد، در تضاد با بازار کنترل‌شده که در آن قیمت، عرضه یا تقاضا تابع سیاست‌گذاری یا کنترل مستقیم دولت‌اند قرار دارد. به یک اقتصاد تشکیل شده از بازارهای آزاد اقتصاد بازار آزاد گفته می‌شود.

۲ رجا نیوز - ۹۴/۱۲/۲۲

۳ نعمت زاده وزیر صنعت و تجارت دولت یازدهم؛ خبرگزاری تسنیم ۹۴/۷/۲۸.

۴ نعمت زاده وزیر صنعت و تجارت دولت یازدهم «وی بعد از گذراندن تعطیلات نوروزی در آلمان و انجام عمل جراحی گوش به ایران برگشت و در دیدار با معاونان و مدیران وزارت صنعت دلیل سفر خود به آلمان را انجام عمل پیچیده گوش اعلام کرد. وی در این دیدار گفته است تکنولوژی این عمل حدود ۸۰ سال آینده به ایران خواهد رسید.» خبرگزاری مشرق ۲۵ فروردین ۹۳.

۵ اکبر ترکان مشاور رئیس‌جمهور، در جمع مدیران خودروساز و قطعه ساز اظهار داشت: بگذارید با خود روراست باشیم ما به جز پخت آبگوشت بزباش و قورمه‌سبزی در هیچ تکنولوژی صنعتی نسبت به جهان برتری نداریم. (۱۸ آبان ۹۳ نشست تخصصی صنعت خودرو).

۶ ظریف ۱۳ آذر ۱۳۹۲.

۷ رزم‌آرا یکی از نخست وزیران دوران شاهنشاهی بعد از آنکه لایحه معروف گس-گلشایبان برای تضمین منافع نفتی انگلیس در مجلس ایران رد شد، در توهین تاریخی خود در دی‌ماه ۱۳۲۹ گفته بود: «ملت ایران قادر به ساختن لوله‌نگ (آفتابه گلی) نیست و یک کارخانه سیمان را نمی‌تواند اداره کند!»

## اسلاید شماره ۲۷

به تعبیر حکیمانه حضرت امام علیه السلام «ما از شرّ رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شرّ تربیت‌یافتگان غرب و شرق به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت»<sup>۱</sup>.

این همان تفکری است که به‌جای تقویت تولید داخلی و ایجاد اشتغال، هنرش واردات بیل و کلنگ و میخ و پیپ و کروات و سنجاق‌سر و شانه و سنگ‌پا و آدامس و تراش و مدادپاک‌کن و تله‌موش و شورت مردانه و مخزن آب سیفون دستشویی و ده‌ها مورد شرم‌آور مشابه است.<sup>۲</sup>

## اسلاید شماره ۲۸

تجربه ما در عرصه‌های مختلف دیگر مانند صنعت نانو، صنعت هسته‌ای، صنایع دفاعی و سلول‌های بنیادین نشان می‌دهد که با وجود تحریم‌ها هر کجا مبارزه کردیم پیروز گشتیم و به مرزهای دانش و تکنولوژی دست پیدا کردیم. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالادست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الآن هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الآن هم درهای مراکز علمی مهم به‌روز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست‌به‌دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمی‌دارد، کی فلان نقطه را موافقت می‌کند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار می‌توانیم بکنیم.

بحران اصلی کشور ما همین مدیران غرب‌زده و لیبرال‌اند و الا مگر کشور ما کم استعداد و توان دارد، مگر همین جوانان نبودند که انقلاب و جنگ را پیش بردند چرا الآن نتوانند در عرصه اقتصادی یک انقلاب ایجاد کنند؟ به تعبیر مقام معظم رهبری:

«ذهنی که می‌تواند یک موشک درست کند که این موشک دو هزار کیلومتر طی می‌کند و با کمتر از ده متر خطا به هدف می‌رسد؛ این چیز کوچکی است؟ ... من می‌گویم آن مغزی که می‌تواند یک چنین موشکی را تولید بکند که دشمنان ما اعتراف می‌کنند به اهمیت این کار، آیا این مغز نمی‌تواند خودرویی را که فرض بفرمایید مصرفش سیزده لیتر در صد کیلومتر است، برساند به پنج لیتر در صد کیلومتر؟ نمی‌تواند بکند؟ این مغز عاجز است از این کار؟ چرا به جوان‌ها مراجعه نمی‌کنید؟ چرا به این ذهن‌های خلاق مراجعه نمی‌کنید؟ چرا از اینها کمک نمی‌گیرید؟»<sup>۳</sup>

## اسلاید شماره ۲۹

زندگی را از بالا ببین یعنی نگاه کهکشانی داشته باشیم؛ یعنی در مواجهه با مشکلات در محله باقی نمان. فاصله بگیر، بیا بالاتر مشکلات را از سطحی بالاتر از محله، شهر، استان، کشور، منطقه، قاره و کل زمین ببین. مشکلات را در منظومه کهکشان‌های عالم ببین. زمین ما یک سیاره از سیاره‌ها و ستارگان کهکشان راه شیری است. در کیهان بیش از صد هزار میلیون کهکشان وجود دارد که کوچک‌ترینشان ده میلیون ستاره را در خود جای داده است. بزرگ‌ترینشان هم هزار میلیارد ستاره دارد. قطر یک کهکشان نوعی سی هزار سال نوری و فاصله نوعی دو کهکشان مجاور سه میلیون سال نوری است. برای آنکه بیشتر شگفت‌زده شویم کافی است بدانیم که هر سال نوری بر

۱ صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۴۶ - ۱۰۷/۱۳۶۰.

۲ <https://www.mashregnews.ir/news/۷۲۲۱۲۴/>

۳ دیدار با کارگران ۹۲/۲/۸.

اساس واحد متر برابر است با یک عدد نه و پانزده صفر در سمت راست آن! کهکشان‌های کوتوله کمتر از ده میلیون ستاره دارند و ابر کهکشان‌ها نزدیک به یک تریلیون یا یک هزار میلیارد (کنار عدد یک، دوازده صفر قرار دهید!) ستاره دارند. بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۰ انجام پذیرفته است، شمار ستارگان موجود و قابل مشاهده در جهان را سیصد سکهستیلون تخمین زده‌اند. (سکهستیلون عددی است برابر با یک میلیارد تریلیون!)

این سیاره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، چهلمین جرم سامانه خورشیدی یا منظومه شمسی است، با قطر ۱۲،۷۴۲ کیلومتر. کوچک‌ترین جرم آن هم میماس یا ماه است با ۳۹۶ کیلومتر قطر. بزرگ‌ترینش هم که صدمین است ۲،۰۰۰،۹۳۲ کیلومتر قطر دارد. خوب واضح است که این سامانه خورشیدی یکی از سامانه‌های کهکشان راه شیری است و این خود یکی از کهکشان‌های بی‌شمار کیهان است. باز هم برای درک بهتر ابعاد این ماجرا، تنها کافی است که تصور کنیم که خورشید در کهکشان راه شیری تنها به اندازه یک نقطه است. خنده‌دار است که حضرت خودمان، یکی از هشت میلیارد آدمی هستیم که در بیش از ۱۹۶ کشور روی زمین زندگی می‌کنند. زمینی که نمی‌توان تصور کرد که چند صد هزار برابر از یک نقطه کوچک‌تر است! و تمام این کهکشان‌ها و ستارگان و همه این چرخه عظیم عالم را یک نفر دارد مدیریت می‌کند! این چرخه دست خدا است.

### اسلاید شماره ۳۰

وقتی شما مشکلات امروز جامعه را از مقیاس کیهان مورد بررسی قرار دادی، ناخودآگاه با حضرت موسی هم‌نوا خواهی شد: **كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ**؛ هرگز دشمن بر ما مسلط نخواهد شد، چون خدا با من است و به زودی مرا هدایت می‌کند.

درست هنگامی که بنی‌اسرائیل به رود نیل رسیدند، در مقابل خود امواج عظیم آب و در پشت سر خود لشکر عظیم تا دندان مسلح دشمنان را دیدند. در جا خود را باختند؛

«هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: به‌طور قطع ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم و راه نجاتی وجود ندارد!» **فَلَمَّا تَرَأَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ.**

در پیش روی ما دریا و امواج خروشان آب است و در پشت سر ما دریایی از لشکر خون‌خوار با تجهیزات کامل، جمعیتی که سخت از ما خشمگین‌اند و امتحان خون‌خواری خود را در کشتن فرزندان بی‌گناه ما سالیان دراز داده‌اند و خود فرعون نیز به‌قدر کافی مردی خیره‌سر و ستمگر و خون‌خوار است، بنابراین به‌سرعت همه ما را محاصره می‌کنند و از دم تیغ و شمشیر می‌گذرانند، یا اسیر کرده و با شکنجه بازمی‌گرداند.

تمام قرائن نشان می‌داد که مطلب همین‌گونه است.

در اینجا لحظات دردناکی بر بنی‌اسرائیل گذشت، لحظاتی که تلخی آن غیرقابل توصیف است، شاید جمع زیادی در ایمان خود متزلزل شده و سخت روحیه خود را باخته بودند؛ اما موسی ع هم چنان آرام و مطمئن بود و می‌دانست وعده‌های خدا درباره نجات بنی‌اسرائیل و نابودی قوم سرکش تخلف‌ناپذیر است. لذا با یک دنیا اطمینان و اعتماد رو به جمعیت وحشت‌زده بنی‌اسرائیل کرد و «گفت: چنین نیست آنها هرگز بر ما مسلط نخواهند شد، چراکه پروردگار من با من است و به‌زودی مرا هدایت خواهد کرد» **(قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ).** فیلم حضرت آقا درباره این قسمت

فرق حضرت موسی با بنی‌اسرائیل در چیست؟ او هم مانند بنی‌اسرائیل مشکلات را می‌بیند، اما از مقیاس کهکشانی!

### اسلاید شماره ۳۱

فرق پیامبر اکرم با مسلمانان در چیست؟ او هم مشکلات را می‌بیند، اما از مقیاس کهکشانی!

وقتی اضطراب جنگ احزاب پیش می‌آید، مسلمانانی که چند متر جلوتر از خود را هم به‌سختی می‌دیدند به‌شدت عقب کشیدند: «هنگامی که لحظات ترسناک و بحرانی پیش می‌آید آن چنان جان و ترسو هستند که می‌بینی به تو نگاه می‌کنند درحالی که چشم‌هایشان بی‌اختیار در

حذقه به گردش آمده، همانند کسی که در حال جان دادن است! (فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ)»<sup>۱</sup>.

اما آن دسته از مسلمانان که زاویه دیدشان مانند پیامبر اکرم از مقیاس کهکشانی بود گفتند: «هنگامی که مؤمنان، لشکریان احزاب را دیدند، نه تنها تزلزلی به دل راه ندادند بلکه گفتند این همان است که خدا و رسولش به ما وعده فرموده و طلایه آن آشکار گشته و خدا و رسولش راست گفته‌اند و این ماجرا جز بر ایمان و تسلیم آنها چیزی نیفزود (وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا)»<sup>۲</sup>.

آیا به نظر شما رسول خدا ﷺ، متوجه آن همه هجمه و فشار مشرکین بر جامعه اسلامی نبود؟ یعنی شدت اضطراب و استرس مسلمین را مشاهده نمی‌کرد؟ هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی بشود که ایشان سختی‌ها و گرفتاری‌های مسلمین را نمی‌دید؛ اما مسئله اینجا است که حضرت همه آن مشکلات را می‌دید اما از بالا! حضرت همه آن حوادث را در یک جریان می‌دید و همه جریان در جلوی چشمان ایشان بود؛ مانند یک نفر که از بالای یک قله کوه دارد مشاهده می‌کند جمعی با سختی دارند از دامنه کوه بالا می‌آیند و طرف دیگر این کوه را به خوبی می‌بینند. او کل مسیر را با هم می‌بیند و در وسط آن همه نگرانی وعده پیروزی و فتوحات می‌دهد.

### اسلاید شماره ۳۲

امروز هم وضعیت درست همین‌طور است. همه ما به خوبی می‌دانیم که مشکلات اقتصادی متعددی گریبان گیر جامعه ما شده است و این موضوع به هیچ‌وجه قابل‌انکار نیست؛ اما مسئله تحلیل این مشکلات است.

فیلم تشریح وضعیت مسلمانان در جنگ احزاب و تطبیق بر وضعیت کنونی

### اسلاید شماره ۳۳

وقتی کسی از بالا به زندگی نگاه می‌کند، پیچ‌وخم‌های زندگی را از دور می‌بیند مانند کسی که از بالای ارتفاعی به جاده‌ای نگاه می‌کند و پیچ‌وخم‌های جلوتر را می‌بیند. تاریخ هم همانند یک اتوبان پیچ‌وخم دارد و کسی که زندگی را از بالا می‌بیند یکسره به ما گوشزد می‌کند که ماشین غرب که با این سرعت در حال حرکت و وحشی‌گری است در پیچ‌های جلوتر جاده سقوط خواهد کرد.

هنگامی که مسیر رو به کمال حرکت بشریت را از مبدأ تاریخ تا حال بازبینی می‌کنیم، به مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز و منحصربه‌فردی برمی‌خوریم که سرنوشت تکاملی بشریت در گروی به سلامت گذشتن از این گردنه‌ها است. رهبر انقلاب در دیدار جهادگران بسیج سازندگی فرمودند: «عزیزان من! کشور شما و ملت شما در یک پیچ خطرناک تاریخی در حال حرکت است. سی سال است ما داریم این پیچ را طی می‌کنیم. به نقاط خطرناک خطر خیز رسیدیم، از آن عبور کردیم؛ لکن تمام نشده.»

اما این پیچ تاریخی چیست؟

این پیچ تاریخی‌ای که گفتم، عبارت است از تحول از سیطره چنین دیکتاتوری‌ای به آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی؛ این پیش خواهد آمد؛ استبعاد نکنید.<sup>۳</sup>

یعنی همان تحول از سیطره دیکتاتوری مدرنیته به حاکمیت ارزش‌های معنوی!

۱ احزاب، آیه ۱۹.

۲ احزاب، آیه ۲۲.

۳ ۱۰/۱۱/۱۳۹۰.

این پیچ، پیچی بزرگ و سرنوشت‌ساز است به‌گونه‌ای که نه‌تنها ما ایرانیان و حتی مسلمانان در گذر از این پیچ حساس و سرنوشت‌ساز قرار داریم بلکه تمام بشریت در حال گذر از این گردنه است. «بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه عالم دارد آغاز می‌شود»<sup>۱</sup>.

حال که دانستیم در حال گذر از این گردنه تند و خطرناک تاریخی هستیم بهتر است بدانیم پاداش تحمل این سختی چیست و چه چیزی بعد از به سلامت گذشتن از آن در انتظار ماست. ولی امر مسلمین و نایب عام امام زمان می‌فرماید: «بعد از گذر از این پیچ تاریخی) مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ظهور ولی‌آمر و ولی‌عصر علیه‌السلام آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله جدیدی خواهد شد»<sup>۲</sup>.

امروز به دوران نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نگاه کنید؛ از دور، پیچ را می‌شود دید. از نزدیک در حین حرکت، هیچ‌کس ملتفت نیست که چه کاری دارد انجام می‌گیرد؛ مگر هوشمندان. از اینجا شما می‌فهمید که بشریت در دوران صدر اسلام، مشغول چگونه حرکتی بود و چه کار می‌کرد. نه این‌که بخواهیم دوران نورانی نبی‌اکرم را با دوره‌های دیگر مقایسه کنیم، اما آن چنان کاری را امروز داریم انجام می‌دهیم؛ یا بهتر بگوییم، امروز دنیا در حال آن چنان تحولی است که آن روز بود؛ آن روز هم کسی باور نمی‌کرد.

شما خیال می‌کنید قدرت‌هایی که آن روز بر دنیا مسلط بودند، کمتر از قدرت استکباری امریکای امروز احساس قدرت می‌کردند؛ نه، آنها هم همین‌طور احساس قدرت می‌کردند. ببینید با پیامبران چگونه حرف می‌زدند. ببینید برخورد تمدن‌ها با کسانی که برخلاف هوی‌ها و هوس‌های آنها حرف می‌زدند، چه قدر تحقیرآمیز بود.<sup>۳</sup>

بسیاری جوامع و افراد، در گذر از این پیچ تند تاریخ به خطا رفته‌اند و به دره تاریکی و جهالت و عذاب سقوط کرده و گروه‌های عظیمی از مردم را با خود به این دره برده‌اند. در مقابل در صورت بهره‌مندی از ابزارهای هدایت الهی و گذر از این گردنه به مرحله‌ای متکامل‌تر از مرحله قبلی دست می‌یابند و بیش‌ازپیش به هدف خلقت نزدیک می‌شوند.

### اسلاید شماره ۳۴

یکی از اصولی که خداوند متعال در گذر از پیچ‌های تاریخ گوشزد می‌کنند این است که نباید به کفار و ظالمین تکیه کنید! چراکه با سقوط آنها شما هم سقوط خواهید کرد.

«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»<sup>۴</sup>.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی "جوانان و بیداری اسلامی".

۲. بیانات مقام معظم رهبری در ۱۹ دیماه ۹۱.

۳. ۲۷/۰۶/۱۳۷۰.

۴. سوره مبارکه هود آیه ۱۱۳. "رکون" به معنای صرف اعتماد نیست، بلکه اعتمادی است که توأم با میل باشد و به همین جهت است که با حرف "الی" متعدی می‌شود، نه با "علی" و تفسیری که اهل لغت برای آن کرده‌اند تفسیر به معنای اعم است و این خود عادت و رسم اهل لغت می‌باشد. رکون به‌سوی ستمکاران، یک نوع اعتمادی است که ناشی از میل و رغبت به آنان باشد، حال چه این رکون در اصل دین باشد، مثل اینکه پاره‌ای از حقایق دین را که به نفع آنان است بگوید و از آنچه به ضرر ایشان است دم فروبندد و افشاء نکند و چه اینکه در حیات دینی باشد مثل اینکه به ستمکاران اجازه دهد تا به‌نوعی که دلخواه ایشان است در اداره امور مجتمع دینی مداخله کنند و ولایت امور عامه را به دست گیرند و چه اینکه ایشان را دوست بدارد و دوستی‌اش منجر به مخالفت و آمیزش با آن شود و در نتیجه در شئون حیاتی جامعه و یا فردی از افراد اثر سوء بگذارد. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش. ج ۱۱، ص ۶۷.



و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید

### اسلاید شماره ۳۵

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَوْمًا مِمَّنْ آمَنَ بِمُوسَى علیه السلام قَالُوا: لَوْ آتَيْنَا عَسْكَرَ فِرْعَوْنَ وَ كُنَّا فِيهِ وَ نَلْنَا مِنْ دُنْيَاهُ، فَإِذَا كَانَ الَّذِي نَرْجُوهُ مِنْ ظُهُورِ مُوسَى علیه السلام صِرْنَا إِلَيْهِ، فَفَعَلُوا.

همانا بعضی از افرادی که به حضرت موسی علیه السلام ایمان آورده بودند، با خود گفتند:

ما بر لشکر فرعونیان وارد شویم و از (مال و منال) دنیای فرعون برخوردار گردیم، سپس به آنچه بر ظهور حضرت موسی آرزو می‌کشیدیم، خواهیم رسید و برنامه خود را انجام دادند؛

### اسلاید شماره ۳۶

فَلَمَّا تَوَجَّهَ مُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ [إِلَى الْبَحْرِ] هَارِبِينَ [مِنْ فِرْعَوْنَ]، رَكِبُوا دَوَابَّهُمْ وَ أَسْرَعُوا فِي السَّيْرِ لِيُؤَافُوا بِمُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ، فَيَكُونُوا مَعَهُمْ، فَبَعَثَ اللَّهُ [عَزَّ وَ جَلَّ] مَلَائِكَةً فَضْرَبَتْ [فَضْرَبُوا] وَجُوهُ دَوَابَّهُمْ، فَدَرَّتْهُمْ إِلَى عَسْكَرِ فِرْعَوْنَ، فَكَانُوا فِي مَنِّ غَرِقَ مَعَ فِرْعَوْنَ.<sup>۱</sup>

پس همین که موسی علیه السلام با همراهان خود به سمت دریا رهسپار شدند؛ و خواستند که از فرعون نجات یابند این افراد (نیز) سوار چهارپایان خود شده و با سرعت حرکت کردند تا موسی و همراهان او را دریابند و با ایشان باشند، پس خداوند عز و جل فرشته‌هایی را فرستاد تا بر صورت چهارپایان زنند و به سمت لشکرگاه فرعون بازشان گردانند و اینان در بین افرادی قرار گرفتند که با فرعون غرق شدند.

### اسلاید شماره ۳۷

فیلم غرق شدن فرعونیان

برخی امروز سازش و همراهی و وصل شدن به قدرت غرب را فریاد می‌زنند، غافل از اینکه این قدرت در حال سقوط است و چنانچه ما هم خود را به این ماشین وحشی غرب وصل کنیم، با آنها سقوط خواهیم کرد. اگر ادامه‌دهنده خون شهدا هستیم، باید بایستیم. باید این مسیر ارزشمند انقلاب را ادامه دهیم. تا جایی که انشاء الله به همین زودی این ماشین غرب سقوط کند. این ایستادگی، ادامه همان مسیر شهدا است.

### اسلاید شماره ۳۸

یکی از اساتید<sup>۲</sup> نقل می‌کردند در زمان جنگ عضو گردان شهید کاوه بودند و در یکی از عملیات‌های دفاع مقدس، در زیر آتش باران شدید دشمن تمام نیروها پشت خاک‌ریزی دراز کشیده بودند و جانشین شهید روی خاک‌ریز نشسته و شهید کاوه بر روی خاک‌ریز ایستاده بودند. جانشین شهید کاوه یکسره به شهید کاوه اصرار می‌کرد که: حاج محمود بنشین الان شما را می‌زنند. بعد از اصرار فراوان جانشین، شهید کاوه نگاهی به او و نیروهای گردان کرد و گفت: در این آتش باران شدید دشمن، من که فرماندهام ایستادم، شما که جانشین هستی نشست، این نیروها خوابیده‌اند.

اگر من بنشینم تو می‌خوابی، نیروها در می‌روند.

۱ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۸ ح ۴۲.

۲ استاد مریجی.

در این جنگ نفس گیر امروز هم اگر ما حزب‌اللهی‌ها و انقلابی‌ها بایستیم، می‌شود توقع داشت که مسجدی‌ها بنشینند و بازاری‌ها پشت خاک‌ریز درازکش بمانند؛ ولی وقتی جریان انقلابی کشور بنشینند و بی‌تفاوت باشند، چه توقعی می‌شود داشت که آن مسجدی و بازاری پای انقلاب بماند.

من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی پس که برمی‌خیزد؟ من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمی‌خیزند.

### اسلاید شماره ۳۹

برای اینکه ما هم ادامه‌دهنده راه شهدا در پیشبرد انقلاب باشیم، باید زاویه دید خود را با امام خود یکی نماییم؛ یعنی ما هم مانند مقام معظم رهبری زندگی و مسائل گوناگون عالم را از بالا ببینیم. برای از بالا دیدن زندگی، باید سه تغییر در نگاه خود ایجاد نماییم؛ اول \_ جامع‌نگری:

اولین تغییر این است که باید مسائل را جامع ببینیم. کسانی که وقایع را از بالا نظاره می‌کنند، همه چیز را با هم می‌بینند. یک مثال معروف تفکر کل‌نگر این است که زمانی که قطعات یک اتومبیل را از هم باز کنیم، اتومبیل دیگر حرکت نمی‌کند. بنابراین چیزی بیشتر از تنها مجموعه قطعات است که اتومبیل را به حرکت می‌اندازد. این چیز اضافه، ارتباط میان این اجزا است. در نگاه جامع‌نگر ما باید روابط بین موضوعات را به‌خوبی درک کنیم و صرفاً به اجزا توجه نکنیم. چراکه هیچ ماشینی صرفاً با وجود اجزاء و بدون ارتباط میان اجزا حرکت نمی‌کند.

تفکر کل‌نگر به معنای توجه نکردن به اجزای یک سیستم نیست، بلکه به معنای این است که علاوه بر قطعات به روابط هم توجه شود. به‌عنوان مثال در موضوع تحریم‌ها، نگاه‌های جزئی به این مسئله یک نگاه منفی و ناامیدکننده به جامعه تزریق کرده‌اند؛ اما در یک نگاه جامع‌نگر به روابط این تحریم با رشد اقتصادی هم توجه می‌شود. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«اما در مورد تحریم‌ها. خب تحریم فشارهایی را به یک ملّتی، به یک کشوری وارد می‌کند. تحریمی هم که علیه ملّت ایران راه انداختند، خود آمریکایی‌ها با خوشحالی می‌گویند «در تاریخ سابقه ندارد!» بله، در تاریخ سابقه ندارد و ان‌شاءالله شکستی هم که آمریکایی‌ها در این قضیه می‌خورند، در تاریخ بی‌سابقه خواهد بود. ملّت، دولت، مسئولین، همه، می‌توانند کاری کنند که این تحریم‌ها صددرصد به نفع کشور تمام بشود. همچنان که ما در دوران جنگ تحریم بودیم که سلاح انفرادی هم به ما نمی‌فروختند و یک وقتی گفتیم سیم‌خاردار هم به ما نمی‌فروختند، [اما] همین محرومیت‌ها موجب شد استعدادهای داخلی به کار بیفتند و از لحاظ وضعیت دفاعی به امروز برسیم که امروز در منطقه در سطح اولیم و از همه جلوتریم به توفیق الهی و این به برکت تحریم بود؛ والا اگر چنانچه از روز اول هرچه لازم داشتیم می‌رفتیم می‌خریدیم، به ما می‌دادند، پول‌هایمان را می‌گرفتند، به فکر نمی‌افتادیم که خودمان درست کنیم و به اینجا نمی‌رسیدیم. در همه قضایا همین جور است؛ جوان‌های ما به من می‌گویند -و این را ثابت هم می‌کنند؛ فقط صرف ادعا هم نیست- که هیچ وسیله‌ای که کشور به آن نیاز دارد، از قطعه و غیر قطعه وجود ندارد که ما نتوانیم بسازیم؛ همه چیز را می‌توانیم بسازیم؛ راست هم می‌گویند؛ در مواردی امتحان هم کردیم، دیدیم همین جوری است که می‌گویند. ما یک چنین ظرفیت انسانی‌ای داریم. بایستی ما کاری کنیم که این تحریم وسیله‌ای بشود برای شکوفایی، وسیله‌ای بشود برای رسیدن به قلّه ابتکار و کار در کشور. [باید] از محصول دیگران خودمان را بی‌نیاز کنیم و دیگران را محتاج محصول خودمان بکنیم؛ این کاری است که می‌تواند انجام بگیرد.

ما به توفیق الهی از این مسائل مربوط به تحریم و مشکلات [عبور می‌کنیم]؛ البته مشکلاتی به وجود می‌آورد، مشکلاتی هست، الان هم وجود دارد [اما] این مشکلات مال اول کار است؛ اگر دولت و ملّت مقاومت کنند، هوشیاری به خرج بدهند، کار و تلاش کنند، دامن همت به کمر بزنند، ما مطمئناً از این مرحله با پیروزی عبور خواهیم کرد. همچنان که در جنگ تحمیلی با پیروزی عبور کردیم، صدام به خاک سیاه نشست و به درک اسفل رفت و جمهوری اسلامی شکوفاتر شد، دشمنان ما هم، آنهایی که در آمریکا و در اروپا و در غرب علیه ما اقدام می‌کنند، به درک اسفل خواهند رفت و جمهوری اسلامی ان‌شاءالله باقی خواهد ماند.»

## اسلاید شماره ۴۰

وقتی به درستی از بالا نگاه می‌کنیم می‌بینیم این رشد و شکوفایی و قدرت گرفتن ما در دنیا کاملاً قابل مشاهده است حتی دشمنان ما هم در مواقع بسیاری به این پیشرفت و قدرت روزافزون ایران اسلامی اذعان داشته‌اند.  
فیلم مصاحبه شبکه لبنان فارسی با یکی از افسران سعودی

## اسلاید شماره ۴۱

بنابراین اولین راهکار از بالا دیدن زندگی، این است که جامع‌نگر باشیم.

دوم \_ عمیق نگری:

باید مسائل را عمیق نگاه کنیم و از سطحی‌نگری بپرهیزیم. انسان‌هایی که از بالا مسائل را دنبال می‌کنند فریب مسائل سطحی را نمی‌خورند.

مگر کشورهای دیگری مانند چین و هند هم مثل ایران در حال پیشرفت نیستند؟ پس چرا کشورهای غربی با این کشورها دچار چالش نیستند؟

علت اصلی این است که ما دستاوردی داریم که هیچ کشوری در دنیا به دست نیاورده است.

امام خمینی ره در یکی از پیام‌های خود خطاب به رزمندگان فرمودند:

«آنچه برای این‌جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی‌الله الاعظم - ارواحنا فداه - هستند و این است **فتح الفتوح**. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی را که در دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.»<sup>۱</sup>

## اسلاید شماره ۴۲

خیره‌کننده‌ترین دستاورد انقلاب تربیت نسل جوانان انقلابی مؤمن است. نسلی که وقتی به حرکت می‌افتد هیچ قدرتی در دنیا توان مقابله با آنها را ندارد. نسلی که نه تحریم می‌شناسد نه مانع، نه از تهدید می‌ترسد و نه فریب تزویر را می‌خورد.

## اسلاید شماره ۴۳

دشمن ما همیشه از این دستاورد انقلاب ضربه خورده است از این رو از همه جهت و با همه توان خود با ایران مبارزه می‌کند تا این دستاورد انقلاب را از کار بیندازد و تا وقتی این توان از کار نیفتاده باشد شدیدترین تحریم‌ها هم نمی‌تواند انقلاب را از میان بردارد.

فیلم شهید نادر مهدوی

## اسلاید ۴۴

این همان فتح الفتوح انقلاب است که دنیای غرب را به لرزه درآورده است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«بزرگ‌ترین هنر این انقلاب که امام آن را فتح‌الفتوح انقلاب دانستند، این بود که توانست جوانانی را تربیت کند که در دنیای مادی آلوده و از لحاظ اخلاقی، لجنزار، انسان‌هایی با دل‌های پاک و نورانی و با تصمیم‌های راسخ باشند و هوشمندانه و خردمندانه، راه بزرگان بشریت و راه سعادت بشر را انتخاب کنند.»

## اسلاید ۴۵

خب وقتی فتح الفتوح این انقلاب شما جوانان انقلابی هستید، دشمن تمام تلاش خود را برای از پا درآوردن شما می‌کند. مقام معظم رهبری در ادامه می‌فرمایند:

«من به شما می‌گویم بدانید که دشمن، همین نقطه را هدف قرار داده است! اگر نورانی کردن جوانان و متوجه کردن آنها به اهمیت مصرف کردن جوانی در راه ارزش‌های والا، نقطه فتح الفتوح انقلاب است، فتح الفتوح استکبار و ضد حمله استکبار هم این است که همین نقطه را از جوانان بگیرد»<sup>۱</sup>.

## اسلاید شماره ۴۶

دشمن همواره دنبال ناامید کردن ما بدنه جوان مؤمن انقلابی است. اگر این نتیجه را به دست بیاورد، توانسته است ضربه مهلکی به این انقلاب بزند؛ اما راه مبارزه با آن تغییر سوم در نوع نگاه است:

سوم \_ آینده‌نگری:

انسان‌هایی که آینده‌نگر هستند و دورترها را می‌بینند ناامید نمی‌شوند. اگر آینده‌نگر نباشیم و جلوتر از دماغ خود را نبینیم، به راحتی فریب خواهیم خورد. شما فکر می‌کنید علت اصلی شکست در جنگ صفین چه بود؟

مشهور است که درباره واقعه صفین می‌گویند معاویه قرآن‌ها را بالای نیزه کرد و اینها را فریب داد. ولی مسئله اصلی قرآن‌های سر نیزه نبود. شب قبل از اینکه قرآن‌ها بالای نیزه برود، اشعث این سخنرانی را-که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم- انجام داد و جاسوس‌های معاویه به او خبر دادند و وقتی معاویه این سخنرانی اشعث را شنید، گفت: دیگر قضیه حل شد، از فردا قرآن‌ها را علم می‌کنیم و کار تمام می‌شود. (...فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ مُعَاوِيَةَ قَالَ أَصَابَ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ فَدَبَّرَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ مَا دَبَّرَ مِنْ رَفَعِ الْمَصَاحِفِ عَلَى الرَّمَاحِ؛)<sup>۲</sup> و (فَانطَلَقْتُ عِيُونَ مُعَاوِيَةَ إِلَيْهِ بِخُطْبَةٍ الْأَشْعَثِ فَقَالَ: أَصَابَ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ لَئِنْ نَحْنُ التَّقِينَا غَدًا لَتَمِيلَنَّ...ارْبَطُوا الْمَصَاحِفَ عَلَى أَطْرَافِ الْقَنَا؛)<sup>۳</sup>

قرآن بر سر نیزه کردن و فریب دادن مردم با قرآن، در واقع تیر خلاص و یا بهانه بود؛ اصل پروژه را اشعث در این سخنرانی انجام داد و خلاصه صحبت اشعث در این سخنرانی هم این بود که: «ما نمی‌توانیم به جنگ ادامه دهیم» آن قدر قسم و آیه آورد که: «به خدا قسم که من نه از مرگ می‌ترسم و نه دشمنی من با معاویه و شام کم شده است ولی به خاطر مصلحت جامعه می‌گویم که ما نمی‌توانیم به این جنگ ادامه دهیم».<sup>۴</sup> (عین سخنان اشعث در ادامه خواهد آمد) وقتی این سخنرانی به گوش معاویه رسید، معاویه دستور داد قرآن‌ها را سر نیزه‌ها کنند. (وَ قَدْ كَانَ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ بَدَرَ مِنْهُ قَوْلُ لَيْلَةَ الْهَرِيرِ، نَقَلَهُ النَّاقلونَ إِلَى مُعَاوِيَةَ، فَاعْتَنَمَهُ وَ بَنَى عَلَيْهِ تَدْبِيرَهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَشْعَثَ خُطِبَ أَصْحَابِهِ مِنْ كِنْدَةَ...؛<sup>۵</sup> و نیز عبارت پیشین از وقعه الصفین: فَانطَلَقْتُ عِيُونَ مُعَاوِيَةَ... ) پس قرآن سر نیزه کردن، علت اصلی نبود، در واقع اشعث بود که شب قبل، کار را تمام کرده بود.

۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۲۵/۰۹/۱۳۷۷.

۲ بحار الانوار/۳۲/۵۳۱.

۳ وقعه الصفین/۴۸۱.

۴ وقعه الصفین/۴۸۱.

۵ شرح ابن ابی الحدید/۲/۲۱۴.

سخنرانی اشعث برای مردم این بود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ أَحْمَدُهُ وَاسْتَعِينَهُ وَ أُوْمِنُ بِهِ وَ اتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَ اسْتَنْصِرُهُ وَ اسْتَغْفِرُهُ وَ اسْتَخِيرُهُ وَ اسْتَهْدِيهِ وَ اسْتَشِيرُهُ وَ اسْتَشْهَدُ بِهِ فَإِنَّهُ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>.

این عبارت‌های قشنگ از چنین شخصیت معلوم‌الحالی در بیان اعتقادات و ایمانش و این شهادتین که در ابتدای سخنرانی خود می‌گوید، از همان ابتدا، انسان را به شک می‌اندازد که احتمالاً یک کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است.

اشعث در ادامه صحبت‌هایش توضیح می‌دهد که الآن وضع ما مسلمین، وضع بدی است و بعد می‌گوید: «بالاخره سنّ و سالی از من گذشته است ولی هیچ روزی را مثل امروز ندیده‌ام؛ یا معشر المسلمین ما قد كان في يومكم هذا الماضي وقد فني فيه من العرب فوالله لقد بلغت من السن ما شاء الله أن أبلغ فما رأيت مثل هذا اليوم قط»<sup>۲</sup> بعد می‌گوید: «به خدا قسم من این حرف‌ها را به خاطر ترس از مرگ یا فرار از جنگ نمی‌گویم؛ اما و الله، ما أقول هذه المقالة جزعاً من الحرب»<sup>۳</sup> خدا نکند کسانی که این حرف‌ها را می‌گویند، یک سابقه‌ای هم داشته باشند! دیگر کسی نمی‌تواند حریفشان شود. مثلاً می‌گویند: آن وقتی که ما داشتیم کتک می‌خوردیم، شماها کجا بودید؟!

بعد گفت: «من یک آدم مسن هستم (و یک چیزهایی را می‌بینم که شما نمی‌بینید) من به زنان و بچه‌هایی نگاه می‌کنم که اگر ما در جنگ از بین برویم، آنها دیگر چه سرپرستی دارند؟ و خدایا تو می‌دانی که این نظر من به خاطر مردم است نه به خاطر خودم! و از سر ترس این سخنان را نگفتم؛ و لکنی رجل مسن أخاف على النساء و الذراري غداً إذا فئنا اللهم إنك تعلم أني قد نظرت لقومي و لأهل ديني»<sup>۴</sup>.

جاسوسان معاویه این صحبت اشعث را به گوش معاویه رساندند و معاویه فهمید که می‌تواند جنگ را به راحتی تمام کند. به دستور و تدبیر معاویه لشکر شام در همان شب فریاد زد که ای اهل عراق، اگر شما ما را بکشید و شما ما را بکشید، چه کسی از زن و بچه‌های ما در برابر روم و فارس مراقبت کند؟ فأنطلقت عيون معاوية إليه بخطبة الأشعث فقال: أصاب و رب الكعبة لئن نحن التقينا غداً لتميلن الروم على ذرارينا و نسائنا و لتميلن أهل فارس على نساء أهل العراق و ذراريهم و إنما يبصر هذا ذوو الأحلام و النهي؛ اربطوا المصاحف على أطراف القنا. فثار أهل الشام فنادوا في سواد الليل يا أهل العراق من لذرارينا إن قتلتمونا؟ و من لذراريكم إن قتلناكم؟<sup>۵</sup>

از سوی دیگر اشعث به میان جمعی که در اطراف امیرالمؤمنین علیه السلام بودند آمد و در حضور مردم به حضرت گفت: یا علی! ما بر همان بیعتی که با تو کرده بودیم هستیم؛ اگر قرار باشد کسی با شامیان بجنگد، هیچ‌کسی مثل من با آنها دشمنی ندارد، ولی مسئله این است که مردم دیگر از جنگ خسته شده‌اند پس درخواست شامیان را بپذیر.

فقام الأشعث بن قيس مغضباً فقال: يا أمير المؤمنين إنا لك اليوم على ما كنا عليه أمس... و ما من القوم أحد أحنى على أهل العراق و لا أوتر لأهل الشام مني، فأجب القوم إلى كتاب الله، فإنك أحق به منهم، و قد أحب الناس البقاء و كرهوا القتال.<sup>۶</sup>

۱ وقعة الصفين / ۴۸۰ و شرح ابن ابی‌الحدید / ۲۱۴/۲.

۲ همان.

۳ همان.

۴ همان.

۵ شرح ابن ابی‌الحدید / ۲۱۵/۲ و وقعة الصفين / ۴۸۱.

۶ وقعة الصفين / ۴۸۱.

اشعث با همین جملات و با جنگ روانی‌ای که راه انداخت، کمر لشکر عراق را شکست.

امیرالمؤمنین علیه السلام به اشعث پاسخی نداد و فقط فرمود: این حرف جای تأمل دارد.

فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام: إِنَّ هَذَا أَمْرٌ يُنْظَرُ فِيهِ؛<sup>۱</sup>

با این حساب، دیگر کار تمام شده بود؛ و فردای آن روز وقتی مجدداً قرآن‌ها بالای نیزه رفت، لشکر از هم پاشید.

اگر لشکر امیرالمؤمنین چهار قدم جلوتر از خودشان، یعنی حملات مالک را می‌دیدند و چهار ساعت جلوتر از خودشان، یعنی پیروزی بر

لشکر معاویه را می‌دیدند و چهار ساعت صبر می‌کردند، تاریخ عوض می‌شد.

الآن هم با دیدن چهار سال آینده و چهار سال صبر و مقاومت و امید و حرکت به سمت قلعه‌های پیشرفت، می‌توانیم تاریخ را عوض کنیم.

آینده از آن ما است. چون ما یکسره در حال پیشرفت هستیم.

### اسلاید شماره ۴۷

فیلم سخنرانی مقام معظم رهبری درباره پیشرفت روزبه‌روز

۱. وقعه الصفین/۴۸۱.